

۱۴۱۴۱۸۶

توسعه پایدار و میراث بومی - محلی در حقوق بین الملل

فاطمه ایران نژاد پاریزی



سرشناسه : ایران نژاد پاریزی، فاطمه -
 عنوان و نام پدیدآور : توسعه پایدار و میراث بومی - محلی در حقوق
 بین الملل / فاطمه ایران نژاد پاریزی
 مشخصات نشر : تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵
 مشخصات ظاهری : ۱۹۲ ص.: مصور
 فروست : علوم اجتماعی: ۸۳۶
 شابک : 978-964-511-635-2
 وضعیت فهرست نویسی : فیفا
 یادداشت : ص.ع. به انگلیسی : Fatemeh Iran Nezhad Parizi,
 Protection of indigenous and local heritage...
 یادداشت : کتابنامه: ص. (۱۸۱) - ۱۹۲
 موضوع : آثار فرهنگی -- نگهداری مرمت (حقوق بین الملل)
 موضوع : توسعه پایدار -- جنبه های زیست محیطی
 موضوع : توسعه پایدار
 رده بندی کنگره : ح ۷ الف / ۳۷۹۱ K
 رده بندی دیسی : ۳۴۴/۰۹۴
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۸۷۶۱

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، فایو، الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز
 از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد.
 لطفاً در صورت مشاهده، موارد به شماره تلفن های ذیل اطلاع دهید.

۸۳۶

نشر میزان

توسعه پایدار و میراث بومی - محلی در حقوق بین الملل

فاطمه ایران نژاد پاریزی

چاپ اول: بهار ۱۳۹۵

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شماره: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۶۳۵-۲

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاووسی فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخررازی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱

پست الکترونیکی: mizannash@ yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

فهرست مطالب

۱۱		دیاچه
۱۳		مقدمه

بخش اول: معرفی ارکان و مفاهیم بنیادین

۲۰		فصل اول - توسعه پایدار
۲۰		گفتار اول - مفهوم توسعه پایدار
۲۳		مبحث اول - تعریف توسعه پایدار
۲۴		مبحث دوم - چالش دستیابی به توسعه پایدار
۲۶		گفتار دوم - مؤلفه‌های توسعه پایدار
۲۶		مبحث اول - تعریف مؤلفه‌های توسعه پایدار
۲۶		بند اول - جنبه اقتصادی توسعه پایدار
۲۸		بند دوم - جنبه اجتماعی - فرهنگی توسعه پایدار
۲۸		بند سوم - جنبه محیط‌زیستی توسعه پایدار
۲۹		مبحث دوم - ساختارها و ساز و کارهای توسعه پایدار
۲۹		بند اول - ساختارهای توسعه پایدار
۳۰		بند دوم - ساز و کارهای توسعه پایدار
۳۳		گفتار سوم - اهمیت یکپارچگی برای توسعه پایدار
۳۴		مبحث اول - اهمیت یکپارچگی در اسناد بین‌المللی
۳۶		مبحث دوم - اهمیت یکپارچگی در رويه قضایی بین‌المللی
۳۸		مبحث سوم - چالش‌های مربوط به یکپارچگی
۳۹		گفتار چهارم - چگونگی اعمال پایداری نسبت به محیط‌زیست
۴۰		مبحث اول - مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مرتبط با توسعه پایدار

- بند اول - بهره‌برداری منصفانه از منابع طبیعی مشترک..... ۴۰
- بند دوم - حقوق نسل‌های حاضر و آینده..... ۴۱
- مبحث دوم - اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مرتبط با توسعه پایدار..... ۴۲
- بند اول - اصل پیشگیری..... ۴۲
- بند دوم - اصل احتیاط..... ۴۳
- بند سوم - اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت..... ۴۳
- مبحث سوم - وضعیت حقوقی توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست..... ۴۴
- بند اول - وضعیت حقوقی مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مرتبط با توسعه پایدار..... ۴۴
- بند دوم - وضعیت حقوقی اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مرتبط با توسعه پایدار..... ۴۵
- فصل دوم - میراث محلی و بومی..... ۴۹
- گفتار اول - مردمان بومی و مراکز محلی در جامعه بین‌المللی..... ۴۹
- مبحث اول - تعریف «مردمان بومی»..... ۵۰
- مبحث دوم - تعریف «جوامع محلی»..... ۵۳
- مبحث سوم - تفاوت‌های مردمان بومی با «جوامع محلی»..... ۵۶
- گفتار دوم - میراث فرهنگی و اجزای آن در «حقوق بین‌الملل»..... ۵۸
- مبحث اول - میراث فرهنگی ملموس و ناملموس..... ۵۸
- بند اول - میراث فرهنگی ملموس..... ۵۹
- بند دوم - میراث فرهنگی ناملموس..... ۶۰
- مبحث دوم - میراث طبیعی..... ۶۲
- مبحث سوم - میراث فرهنگی در چارچوب رویکرد نوین..... ۶۴
- گفتار سوم - میراث محلی و بومی..... ۶۷
- مبحث اول - تعریف میراث بومی..... ۶۸
- مبحث دوم - ویژگی‌های خاص میراث بومی و محلی..... ۶۹
- بند اول - ماهیت کل‌گرا..... ۷۰
- بند دوم - اهمیت اصلی زمین و منابع..... ۷۰
- بند سوم - سرپرستی جمعی و بین‌نسلی..... ۷۰
- بند چهارم - حقوق عرفی..... ۷۱

فصل سوم - حقوق بین الملل مرتبط با حفاظت از میراث بومی و محلی.....	۷۲
گفتار اول - حقوق بین الملل بشر.....	۷۳
مبحث اول - میثاقین ۱۹۶۶.....	۷۳
مبحث دوم - اعلامیه حقوق مردمان بومی.....	۷۷
مبحث سوم - کنوانسیون ۱۹۸۹ سازمان بین المللی کار.....	۸۲
گفتار دوم - حقوق بین الملل محیط زیست.....	۸۴
مبحث اول - موافقت نامه های محیط زیستی قبل از کنفرانس محیط زیست و توسعه (۱۹۹۲).....	۸۵
مبحث دوم - کنفرانس محیط زیست و توسعه ۱۹۹۲ و کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲.....	۹۰
گفتار سوم - حقوق مالکیت فکری.....	۹۶

بخش دوم - نقش میراث محلی و بومی در توسعه پایدار

فصل اول - ارتباط میراث محلی و بومی با توسعه پایدار.....	۱۰۶
گفتار اول - رابطه میان میراث محلی و بومی با مؤلفه های توسعه پایدار.....	۱۰۷
مبحث اول - پایداری اقتصادی.....	۱۰۸
مبحث دوم - پایداری محیط زیستی.....	۱۱۱
مبحث سوم - پایداری اجتماعی - فرهنگی.....	۱۱۴
گفتار دوم - رابطه میان میراث محلی و بومی با اندیشه کپارچگی.....	۱۱۷
مبحث اول - مفاهیم مردمان بومی و محلی مرتبط با یکپارچگی.....	۱۱۷
بند اول - مفهوم توازن.....	۱۱۷
بند دوم - مفهوم کل گرایی.....	۱۱۸
مبحث دوم - نمونه هایی از محیط زندگی پایداری جوامع بومی و محلی.....	۱۲۰
بند اول - پارک ملی کاکادو.....	۱۲۰
بند دوم - پارک ملی اولورا - کاتا جوتا.....	۱۲۴
بند سوم - ترانس بندای های برنج ایفوگانو.....	۱۲۹
فصل دوم - مطالعه موردی برخی دعاوی راجع به حفاظت از میراث بومی و محلی.....	۱۳۳
گفتار اول - در سطح ملی.....	۱۳۳
مبحث اول - طرح ادعای زمین های بومیان از طریق روندی دموکراتیک و مشارکتی (کانادا).....	۱۳۴

۸ □ توسعه پایدار و میراث بومی - محلی در حقوق بین‌الملل

- مبحث دوم - لزوم کسب رضایت قبلی جهت عکاسی از بومیان (استرالیا)..... ۱۴۰
- مبحث سوم - حقوق مالکیت فکری بومیان در مورد مراسم و آیین‌هاشان (استرالیا)..... ۱۴۲
- گفتار دوم - در سطح منطقه‌ای..... ۱۴۷
- مبحث اول - قضیه جامعه بومی ساووماپاکس علیه باراگونه..... ۱۴۷
- مبحث دوم - قضیه جامعه مایاگنا (سومو) آواس تینگنی علیه نیکاراگونه در سال ۲۰۰۱..... ۱۵۲
- گفتار سوم - در سطح بین‌المللی..... ۱۵۴
- مبحث اول - ایلماری لانسمن و همکارانش علیه فنلاند..... ۱۵۵
- مبحث دوم - آرنیاک و گروه دریاچه لوبیکان علیه کانادا..... ۱۶۰
- فصل سوم - راه‌مؤد برای آینده در خصوص حمایت حقوقی از میراث بومی و محلی به‌منظور تضمین توسعه پایدار..... ۱۶۱
- گفتار اول - حوزه حقوق توسعه پایدار..... ۱۶۲
- گفتار دوم - حوزه حقوق میراث فرهنگی..... ۱۶۷
- گفتار سوم - حوزه حقوق محیط زیست..... ۱۷۱
- نتیجه‌گیری..... ۱۷۵
- فهرست منابع..... ۱۸۰
- منابع فارسی..... ۱۸۰
- مقالات..... ۱۸۰
- منابع انگلیسی..... ۱۸۰
- کتاب‌ها..... ۱۸۰
- مقالات..... ۱۸۲
- اسناد..... ۱۸۵
- گزارش‌ها..... ۱۸۸
- پرونده‌ها..... ۱۸۹
- موافقت‌نامه‌ها..... ۱۹۰
- سایت‌های اینترنتی..... ۱۹۱

Preface

This is a timely and important publication for Iran, in view both of the increasing urgency of developing appropriate strategies for achieving sustainable forms of development in a middle-income country and the great wealth of local and ecological knowledge that is present in this country. However, as in many other similar countries in the world, the value of such knowledge as a resource for environmental sustainability and the importance of preserving the traditional lifestyles and practices of tribal and pastoral peoples is poorly recognized. Hence, the scope of this book is not only examining the role of such knowledge in ensuring sustainable development and the place that local and indigenous peoples play in developing, maintaining and transmitting such knowledge but also, and importantly, in the range of obligations placed on States by international law in the fields of human rights, environmental and cultural heritage law to protect this knowledge and the rights and ways of life of these people. A further important aspect of this book and the research on which it is based is the way in which it manages to marry an examination of the notions underlying sustainable development and traditional ecological knowledge – from both social science and legal perspectives – with the international legal context in which they operate.

Sustainable development is a much-mentioned concept and one that has many meanings in different contexts. A strength of this work is to clarify what sustainable development means in the context of environmental sustainability and legal regulation of this and, in particular to explain the significance of the notion of ‘integration’ to sustainable development. This notion is a key one that has not been given enough attention and one that policy- and law-makers must understand better and pay more attention to in the future: this book will serve as a valuable guide to them on how this can be done. Other key issues that this research clarifies are identifying who local and indigenous people are for the purposes of this study and the nature and importance of their ecological knowledge; it also helps to clarify the scope and content of the legal obligations that are placed on Governments by international law in the field of sustainable development. This last is an issue that

has not received sufficient attention up until now and is an essential step in ensuring effective implementation of the concept of sustainable development in national legal systems.

Although there exist in the international literature monographs and articles that address various aspects of this question – sustainable development from different scientific perspectives, the traditional ecological knowledge of local and indigenous peoples, the human rights protecting indigenous peoples and minorities and the protection of this under cultural heritage law – there are very few authors who have addressed this topic from the comprehensive approach taken here. This is true, in particular, of the literature in the Persian language [I assume this is true!] and this makes the contribution of this book even greater.

This book can be of value to a wide readership, both expert and interested layperson. It has a particular value to those engaged in policy and law-making in the area of environmental protection as well as protection and safeguarding of traditional culture and heritage. Beyond these, it will be a valuable resource for university-level students, teachers and researchers in several disciplines: law (environmental, human rights, cultural heritage, international and public, anthropology, sociology and environmental sciences). It will also be of interest to members of the local and indigenous communities who are the book's main subject since it sets out the rights that they have with regard to their traditional knowledge and how they can demand protection under law for this.

Finally, as the Main Supervisor of the Thesis that has become this book, I would like to express my pleasure that the institution of a Masters Degree in Environmental Law has borne fruit in this publication which I believe makes a valuable contribution to the legal and non-legal knowledge of this important aspect of the environment and its protection.

Dr Janet Blake

Faculty of Law Shahid Beheshti University

Tehran 21 Tir 1393.

دیباچه

کتاب حاضر، از یک سو از لحاظ افزایش فوریت ایجاد راهبردهای مناسب برای دستیابی به اشکال پایدار توسعه در کشوری با درآمد متوسط و از سوی دیگر، از نظر وجود گنجینه‌ی غنی دانش محلی و اکولوژیکی در ایران، اثری حائز اهمیت برای این کشور به شمار می‌رود که در زمان مناسبی تیراژ شده است. باین وجود، همانند بسیاری از کشورهای مشابه دیگر در جهان، ارزش بسط دانشی (دانش محلی و اکولوژیکی) به عنوان منبعی برای پایداری محیط‌زیستی و اهمیت حفاظت از شیوه‌های سنتی زندگی و رسوم مردمان عشایری و روستایی در حد بسیار اندکی به رسمیت شناخته شده است. از این رو، گستره‌ی مباحث این کتاب، تنها به بررسی این امر می‌پردازد که چنین دانشی در تضمین توسعه پایدار چه نقشی ایفا می‌کند و جایگاه مردمان محلی و بومی برابعد، حفظ و انتقال چنین دانشی چیست؛ بلکه به طور مهم، دامنه‌ی تعهداتی را مورد بررسی قرار می‌دهد که به موجب حقوق بین‌المللی در زمینه‌های حقوق بشر، حقوق محیط‌زیست و میراث فرهنگی جزایر حفاظت از این دانش، حقوق و شیوه‌های زندگی این مردم بر عهده‌ی دولت‌ها می‌باشد. چنین بحثی هم‌تر این کتاب و پژوهشی که بر مبنای آن صورت گرفته، روش مدیریت مطالب است، به گونه‌ای که بررسی راجع به اندیشه‌های بنیادین توسعه پایدار و دانش سنتی اکولوژیکی را - هم از دیدگاه علوم اجتماعی و هم از دیدگاه حقوقی - با آن دسته از شرایط حقوقی بین‌المللی پیوند می‌دهد که این اندیشه‌ها در آن شرایط عملی می‌شوند.

از آنجاکه توسعه پایدار، مفهومی است که بسیار مورد اشاره قرار گرفته و جزو آن دسته از مفاهیمی است که در زمینه‌های مختلف دارای معانی بسیاری است، یکی از اهداف قریب این اثر، روشن نمودن این مطلب است که توسعه پایدار در زمینه‌ی پایداری محیط‌زیستی و در زمینه‌ی مقررات حقوقی مربوط به آن چه معنایی دربردارد، و به‌ویژه اهمیت اندیشه‌ی "یکپارچگی" برای توسعه پایدار را شرح می‌دهد. این اندیشه، یکی از موارد مهمی است که توجه کافی بدان معضوف نشده و موضوعی است که سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران بایستی آن را بهتر درک کنند و در آینده توجه بیشتری بدان معضوف نمایند؛ این اثر، در مورد چگونگی انجام این کار به عنوان یک راهنمای ارزشمند برای آنان تلقی می‌شود. سایر مسائل اصلی که این پژوهش آن‌ها را واضح و آشکار می‌کند، عبارت‌اند از شناسایی اینکه برای اهداف این مطالعه، عنوان مردمان محلی و بومی به چه کسانی اطلاق دارد و ماهیت و اهمیت دانش اکولوژیکی آنان

چيست؛ همچنين به روشن شدن گستره و محتوای تعهدات حقوقی که به موجب حقوق بین‌الملل در زمینه توسعه پایدار بر عهده‌ی دولت‌ها قرار گرفته کمک می‌کند. موضوع اخیر الذکر، مطلبی است که تاکنون توجه کافی به آن معطوف نشده و گامی ضروری در تضمین اجرای مؤثر مفهوم توسعه پایدار در نظام‌های حقوق داخلی محسوب می‌شود.

اگرچه در آثار بین‌المللی، مقالات و رساله‌هایی وجود دارد که ابعاد متعدد این پرسش - توسعه پایدار از دیدگاه‌های مختلف علمی، دانش سنتی اکولوژیکی مردمان محلی و بومی، حمایت حقوق بشر از مردمان بومی و اقلیت‌ها و حمایت از این امر در حقوق میراث فرهنگی - را مورد بررسی قرار می‌دهند. نویسندگان بسیار کمی وجود دارند که این موضوع را با رویکردی جامع، آن‌چنان‌که در اینجا مورد توجه قرار گرفته بررسی نموده باشند. این امر به‌ویژه در مورد آثاری صادق می‌کند که به زبان فارسی وجود دارد و خود این امر به‌نوبه خود موجب می‌شود تا این کتاب، راتب کمک بیشتری ارائه نماید.

اثر حاضر، می‌تواند برای طیف گسترده‌ای از خوانندگان، هم افراد متخصص و هم افراد علاقه‌مند ارزشمند تلقی شود. هرچنین دارای ارزش ویژه‌ای برای افرادی است که فعالیت‌های سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری را حوزه‌ی حفاظت از محیط‌زیست و همچنین حفاظت و حراست از فرهنگ و میراث سرزمین شاهی‌اند. افزون بر این موارد، منبعی ارزشمند برای دانشجویان، اساتید و پژوهشگران دانشگاهی در رشته‌های متعدد محسوب می‌شود: حقوق (محیط‌زیست، حقوق بشر، میراث فرهنگی، بین‌الملل و عمومی، مردم‌شناسی، علوم اجتماعی و محیط‌زیستی). همچنین این اثر می‌تواند علاقه‌مندان اصلی جوامع محلی و بومی که موضوع اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهند به خود جلب نماید. زیرا حقوقی را مورد بحث قرار می‌دهد که این مردمان با توجه به دانش سنتی‌شان از آن به‌طور زنده و به بررسی این امر می‌پردازد که چگونه می‌توانند درخواست حفاظت از آن را به‌مرجع حقوقی مقرر شده برای آن مطرح نمایند.

در نهایت، به‌عنوان استاد راهنمای پایان‌نامه‌ای که اکنون به‌صورت کتاب ارائه شده، مایه دلخوشی این جانب است که نهاد آموزشی مقطع کارشناسی ارشد در گرایش حقوق محیط‌زیست، در این اثر محصلی به ثمر رسانده که به اعتقاد این جانب کمک ارزشمندی به دانش حقوقی و غیرحقوقی این جنبه‌ی مهم محیط‌زیست و حفاظت از آن ارائه می‌کند.

دکتر ژانت بلیک

دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

تهران - ۹۳/۴/۱۲

مقدمه

بحران‌های محیط‌زیستی در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۰ سبب شد تا نگرش صرفاً اقتصادی در مورد بهره‌برداری از منابع، نسبت به محیط‌زیست دچار تحول گردد و به تدریج منجر به شکل‌گیری رویکردی تحت عنوان توسعه پایدار شود. این رویکرد که با انتشار گزارش "آینده مشترک ما" در سال ۱۹۸۷ (موسوم به گزارش برونتلند) از طریق کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه آغاز شد، می‌توان آن را به عنوان توسعه‌ای تعریف نمود که در پیکارچه نمودن ابعاد محیط‌زیستی، اقتصادی، اجتماعی و در مفهوم وسیع‌تر، جواب فزاینده نیز می‌باشد. در واقع، در همان سال که گزارش برونتلند اعلام شد (۱۹۸۷) لفظ "تلف دیگری در تاریخ شناسایی ابعاد فرهنگی توسعه در حال وقوع بود، چرا که گروه ۷۷ همراه با چند کشور اسکاندیناویایی، ملل متحد را برای پذیرش دهه جهانی برای توسعه فرهنگی (۱۹۷۷-۱۹۸۸) و یونسکو را به عنوان مجری این برنامه مجاب نمودند. این برنامه به مسائل مرتبط با هویت فرهنگی، توسعه و خط‌مشی فرهنگی متمرکز بود و "حفاظت، معرفی وراث فرهنگی را به عنوان سنگ بنای هر خط‌مشی فرهنگی" مورد توجه قرار داد.

بنابراین، با برجسته شدن موضوع توسعه پایدار در دهه ۹۰ بن‌الملل، تلاش‌ها در راستای یافتن ابزارهایی برای دستیابی به آن صورت گرفت. در این روند با شناسایی اهمیت نقش فرهنگ در روند توسعه، اسناد بسیاری در سطح بین‌المللی جهت طرح و گسترش این موضوع تدوین شد. این مسئله، در جامعه بین‌المللی رفته‌رفته با تأکید بر بعد فرهنگی توسعه از طریق تعیین عوامل و مؤلفه‌های فرهنگی به عنوان بخشی لاینفک از راهبردهای طراحی شده جهت نیل به توسعه پایدار انجام شد. در نتیجه، در اسناد گوناگون بین‌المللی چنین راهبردهایی همواره با توجه به بافت فرهنگی، اجتماعی و تاریخی هر جامعه ایجاد شدند. در حقیقت این امر برای جامعه بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفت که نیل به توسعه پایدار، مجزا از چارچوب انسانی یا فرهنگی‌اش ریشه‌ی فاقد روح است. این امر، محققان را ترغیب به شناسایی ارکان فرهنگی مرتبط با توسعه نمود. در این میان، مشخص شد که مردمان بومی و جوامع محلی در سراسر

جهان نه تنها بخش عظیمی از تنوع فرهنگی جهان را تشکیل می‌دهند، بلکه به دلیل شیوه‌های پایدار و سستی زندگی، بیشترین تنوع زیستی موجود در جهان، در سرزمین‌های این جوامع به چشم می‌خورد.

بدین ترتیب، میراث فرهنگی از یک‌سو به‌عنوان یکی از اجزای فرهنگ ریشه در گذشته یک جامعه دارد، و از سوی دیگر به‌عنوان یکی از اجزای محیط‌زیست شناخته می‌شود و در عین حال که دارای تأثیرات قطعی بر اشکال زیست انسانی است، از سوی دیگر به‌شدت از سایر مؤلفه‌ها نیز تأثیر می‌پذیرد (این امر در بیانیه شیان ۲۰۰۵ هم مورد اشاره جزئی قرار گرفته است). علاوه بر این، در خصوص رابطه‌ی محیط‌زیست با توسعه می‌توان به اعلامیه استکهلم و رپو اشاره نمود که دربردارنده اصولی راجع به رابطه میان این دو بوده می‌باشند. بدین ترتیب فرهنگ و محیط‌زیست به‌عنوان دو مؤلفه‌ی توسعه پایدار در معاد گوناگونی با یکدیگر پیوند می‌یابند.

البته به نظر می‌رسد میراث فرهنگی ناملموس که در سده‌ی بیست و یکم به‌عنوان بخش مهمی از میراث فرهنگی انسان به رسمیت شناخته شد، نسبت به میراث فرهنگی ملموس که در سده بیستم شکل گرفته بود، دارای پیوند عمیق‌تری با محیط‌زیست باشد. این امر در برخی اسناد مربوط به حفاظت از محیط‌زیست نیز قابل مشاهده است، به عبارتی در این اسناد بیشتر پیوند جنبه ناملموس میراث فرهنگی با محیط‌زیست مدنظر بوده، که در بیشتر موارد هم با رویکردی محلی و جایی مگر نسبت به فرهنگ مردمان بومی به این رابطه اشاره شده است. در این باره می‌توان به اعلامیه رپو ۱۹۹۲، دستور کار ۲۱، کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲، کنوانسیون رامسر ۱۹۷۱، کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی (۱۹۹۴)، موافقت‌نامه خرس‌های قطبی ۱۹۷۳، اشاره نمود البته به‌نظر می‌رسد پیوند میان محیط‌زیست و میراث فرهنگی در اسناد بین‌المللی مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی نیز قابل مشاهده می‌باشد، با این تفاوت که در این اسناد بیشتر تعامل میان میراث فرهنگی ملموس با محیط‌زیست مدنظر بوده است، (البته با اجرای کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس ۲۰۰۳ پیشرفت‌های قابل توجهی در خصوص تعامل جنبه ناملموس با محیط‌زیست نیز صورت پذیرفته است). در این میان می‌توان به توصیه‌نامه حفاظت و حمایت از سرمایه‌های فرهنگی در معرض خطر بر اثر فعالیت‌های دولتی یا خصوصی ۱۹۶۸، کنوانسیون میراث فرهنگی و میراث طبیعی ۱۹۷۲، توصیه‌نامه حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی در سطح ملی ۱۹۷۲ (این

توصیه‌نامه در چندین بند رابط‌های میان میراث فرهنگی و طبیعی با محیط‌زیست را متذکر شده، که به‌طور برجسته در بند ۶ توصیه‌نامه، ذیل اصول کلی آن بیان شده هیچ‌یک از فعالیت‌ها و موضوعات در زمینه میراث فرهنگی و طبیعی نباید مجزای از محیط‌زیست آن صورت گیرند) و کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس ۲۰۰۳ اشاره نمود.

با این وجود، اگرچه میراث فرهنگی و محیط‌زیست از جوانب متعددی با یکدیگر در تعامل هستند اما این در حالی است که در طول چندین دهه، حقوق مربوط به میراث فرهنگی به‌طور قابل‌توجهی در حقوق بین‌الملل بشر مورد تأکید قرار گرفته است. بدون اینکه در روند حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مورد توجه قابل ملاحظه‌ای قرار گیرد. به عبارتی هرچند میراث فرهنگی به‌عنوان یکی از اجزای محیط‌زیست در تعامل بالقوه‌ای با محیط‌زیستی که در آن قرار می‌گیرد، لیکن این امر در عرصه‌ی جامعه بین‌الملل مغفول مانده و در نتیجه این دو موضوع به‌عنوان دو بخش جداگانه از حقوق بین‌الملل توسعه‌یافته‌اند. همچنین، هرچند با پذیرش توصیه‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های متعدد در عرصه بین‌المللی جهت حفاظت از میراث فرهنگی اقدامات حقوقی و غیر آن اتخاذشده، اما در واقع صیانت از میراث فرهنگی به دلیل تنوع بسیار آن، دشوار به نظر می‌رسد.

در حقیقت حفاظت از میراث فرهنگی مقوله‌ای است که کمابیش در بسیاری از نقاط جهان در مورد مفهوم آن اتفاق نظر وجود دارد، اما واقعیت آن است که تنوع و گوناگونی فرهنگ‌های بشری، دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی را در این عرصه به وجود آورده است. به تعبیری، دلایل و شرایط حفاظت از میراث فرهنگی و تاریخی نزد فرهنگ‌های گوناگون ممکن است متفاوت باشد، همچنین در طول زمان مفهوم میراث یا ثروت‌های فرهنگی نیز دستخوش دگرگونی‌هایی شده است. این دشواری‌ها زمانی چند برابر می‌شود که بدانیم اصولاً در برخی از فرهنگ‌های محلی و نزد بومیان برخی مناطق، اهمیت یک مکان تنها به‌واسطه‌ی وجود معماری شگفت‌انگیز یا اشکال به رسمیت شناخته‌شده‌ی هنری نیست و از نظر آنان میراث به دو بخش جداگانه طبیعی و فرهنگی غیر قابل تقسیم است. لذا چنین مکان‌هایی که از یک‌سو به‌طور عمیقی با طبیعت و از سوی دیگر با فرهنگ، آیین‌های کهن و روش‌های متفاوت زندگی پیوند دارند، تضمینی برای حفظ تنوع فرهنگی در سراسر جهان محسوب می‌شوند، اما در همان حال به دلیل

خصوصیاتشان با خطرات بیشتری تهدید می‌شوند، زیرا بسیاری اوقات در جریان طرح‌های توسعه، چنین مناطقی که فاقد نشانه‌های چشمگیر معماری یا هنری هستند، به آسانی نادیده گرفته می‌شوند و به تبع آسیب به جنبه ملموس، متعاقباً با صدمه به ارزش‌های بومیان سبب از میان رفتن میراث فرهنگی ناملموس نیز می‌شوند. اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌گردد که بدانیم در مواردی که میراث فرهنگی مورد آسیب یا تخریب جدی واقع می‌شود، به‌دشواری امکان بازسازی و احیای آن وجود دارد.

بنابراین، میراث فرهنگی محلی و بومی نیز بخش قابل توجهی از حافظه بشریت در سطح محلی را تشکیل داده که می‌تواند در بازایی ارزش‌های محیط‌زیستی، اجتماعی و... مؤثر و در نهایت جهت نیل به اهداف توسعه پایدار مفید باشد. از آنجا که در این روند، اولین گام شناسایی محیط‌زیست طبیعی و انسانی و حفاظت از آنچه که در آن نهفته یعنی میراث طبیعی فرهنگی است، این مسئله از یک‌سو نیازمند درک و دریافتی تازه از مفهوم میراث فرهنگی، از سوی دیگر نیازمند تدوین و گسترش قوانین جدید به منظور حفاظت و مدیریت که آمد آن‌ها می‌باشد.

ضرورت انجام چنین پژوهش به تئوری به دلیل انگشت شمار بودن سابقه‌ی این موضوع در متون نگارشی کشورمان قابل توجه به نظر می‌رسد، بلکه از آنجا که میراث فرهنگی و محیط‌زیست در تعاملی یکپارچه با یکدیگر قرار دارند، نگرش نوینی لازم است تا بتوان به‌موجب آن، این دو مؤلفه را به در طول دهه‌های بسیار در حقوق بین‌الملل به‌صورت مجزا گسترش یافته‌اند، به هم پیوند داد. در این مسیر، به نظر می‌رسد با اتخاذ رویکردهایی از دیدگاه بومیان که تقسیم میراث به دو بخش جداگانه طبیعی و فرهنگی را غیرقابل‌پذیرش می‌دانند، و با کمک ابزارهای حقوقی بومیان این امر را در عرصه حقوق بین‌الملل تحقق بخشید.

در نهایت، هدف از بررسی این موضوع، دستیابی به شناسایی و گسترش رویکردی نوین است که حراست و حفاظت از میراث فرهنگی خاص هر جامعه را به‌گونه‌ای محقق نماید تا بتوان در سطح محلی رابطه میان طبیعت، فرهنگ و توسعه - که همواره دارای رابطه‌ای پویا می‌باشند - حفظ گردد. زیرا این امر یکی از موضوعات حائز اهمیت جهت تضمین پایداری به نظر می‌رسد. در این مسیر، فرض بر این است که با توجه به ویژگی‌های خاص میراث فرهنگی بومی و محلی و همچنین دیدگاه بومیان نسبت به درک یکپارچه میراث بدون تفکیک آن به میراث طبیعی و فرهنگی، می‌توان ارتباط

تنگاتنگی میان میراث فرهنگی بومی و محلی با موضوع پایداری محیط‌زیستی برقرار نمود و به تبع آن می‌توان با استفاده از قواعد و رویکردهای موجود یا لازم در حقوق بین‌الملل از تعامل میان این دو حمایت نمود.

بدین ترتیب، مباحث کتاب حاضر در دو بخش مجزا مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بخش نخست دربرگیرنده سه فصل مجزا است که ابتدا در فصل نخست موضوعات مربوط به چارچوب‌های مفهومی و عملی توسعه پایدار و مؤلفه‌های اصلی آن، همچنین جایگاه اصول و مفاهیم مرتبط با آن در جامعه بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته، سپس در فصل دوم موضوعات مرتبط با میراث بومی و محلی، از جمله توصیف و تعیین ویژگی‌های مردمان بومی و جوامع محلی و میراث آنان مورد بحث قرار گرفته و بالاخره در فصل سوم به بررسی اسناد بین‌المللی مرتبط با موضوع تحقیق در سه حوزه، حقوق بین‌الملل بشر، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و حقوق مالکیت فکری پرداخته شده‌است. در ادامه، چارچوب موضوعی بخش دوم تحت عنوان نقش میراث محلی و بومی در توسعه پایدار، در سه فصل مجزا مورد بحث قرار گرفته‌است. بدین گونه که ابتدا، در فصل اول به ارتباط میان مؤلفه‌های گوناگون میراث بومی و محلی با مؤلفه‌های پایداری پرداخته شده که جهت عینیت بخشیدن بیشتر به بحث، نمونه‌هایی از محیط‌های پایدار زندگی مردمان بومی و جوامع محلی ارائه شده که در سطح بین‌المللی به‌عنوان میراث جهانی به رسمیت شناخته شده‌اند. در فصل دوم، برخی دعاری و پرونده‌های مطرح شده از سوی این جوامع در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. و سرانجام در فصل سوم ضمن جمع‌بندی مباحث، به مشکلات موجود در این حوزه اشاره شده و در نهایت رهنمودهایی برای حل این مسائل در آینده ارائه شده‌است. امید است که یافته‌های ارائه شده در این حوزه بتواند به عنوان سنگ بنایی هرچند کوچک سودمند واقع شود.